

تحلیل ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و تأثیر آن بر فقه حنفی

سید خلیل کوهی

پوهنوال، تعلیمات اسلامی، شرعیات، پوهنتون بامیان، بامیان افغانستان (نویسنده مسئول). ایمل:

Kohi_khalil23@bu.edu.af

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/ - تاریخ نشر: ۱۴۰۴/

چکیده

فقه اسلامی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی تمدن اسلامی، همواره تحت تأثیر شخصیت و روش فکری فقه‌های برجسته بوده است. امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)، بنیان‌گذار مکتب حنفی، با ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فرد خود، تأثیر عمیقی بر شکل‌گیری و توسعه این مکتب داشته است. این تحقیق از نظر هدف بنیادی و از حیث ماهیت کیفی است که به روش تحلیلی-توصیفی تحقیق شده است. در این نگارش، داده‌ها از منابع دست‌اول کتابخانه‌ای جمع‌آوری، تحلیل و بررسی شده است. هدف اصلی آن بررسی رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و تأثیر آن بر ساختار و محتوای فقه حنفی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عقل‌گرایی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) موجب توسعه ابزارهای اجتهادی نظیر قیاس و استحسان شده و فقه حنفی را به مذهبی پویا و پاسخگو تبدیل کرده است. تسامح و انعطاف‌پذیری او در پذیرش دیدگاه‌های مختلف، سبب تنوع آراء فقهی و انطباق این مذهب با شرایط متنوع اجتماعی و فرهنگی شده است. استقلال رأی و شجاعت علمی امام نیز باعث حفظ اصالت علمی فقه حنفی و مصونیت آن از نفوذ قدرت‌های سیاسی شده است. در نتیجه، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان فقه حنفی را تا حد زیادی بازتابی از ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه دانست. این تحقیق با ارائه مدلی نظام‌مند میان ویژگی‌های شخصیتی امام و اصول فقه حنفی، نوآوری علمی خود را در تحلیل پیوند میان شخصیت فقیه و نظام فقهی تولیدشده توسط او به نمایش می‌گذارد. این مدل می‌تواند الگویی برای بازخوانی فقه اسلامی در مواجهه با مسائل نوپدید باشد.

کلمات کلیدی: امام ابوحنیفه، ویژگی‌ها، شخصیت، فقه اسلامی

استناد: کوهی، سید خلیل. (۱۴۰۴). تحلیل ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و تأثیر آن بر فقه.

مجله علمی-تحقیقی پوهنتون غور، ۲(۲)، ۱-۲۰.

Analysis of Imam Abu Hanifa's Personality Traits and Their Impact on Hanafi Jurisprudence

Sayed Khalil Kohi

Associate Professor, Islamic Studies, Sharia, Bamyan University, Bamyan, Afghanistan (Corresponding author). Email: Kohi_khalil23@bu.edu.af

Received: 24/7/2025 | Accepted: 22/11/2025 | Published:

Abstract

Islamic jurisprudence, as one of the main pillars of Islamic civilization, has always been influenced by the personality and intellectual approach of prominent jurists. Imam Abu Hanifa (may Allah have mercy on him), the founder of the Hanafi school, with his unique personality traits, has profoundly influenced the formation and development of this school. This study, conducted with a qualitative approach and using an analytical-descriptive method based on primary library sources, aims to examine the relationship between Imam Abu Hanifa's personality traits and their impact on the structure and content of Hanafi jurisprudence. The findings reveal that Imam Abu Hanifa's rationalism led to the development of jurisprudential tools such as analogy (qiyas) and preference (istihsan), making Hanafi jurisprudence a dynamic and responsive school. His tolerance and flexibility in accepting diverse viewpoints resulted in a variety of jurisprudential opinions and the adaptability of this school to diverse social and cultural conditions. Furthermore, his independence of thought and scholarly courage preserved the scientific integrity of Hanafi jurisprudence and protected it from political influences. Consequently, this study demonstrates that Hanafi jurisprudence can be largely seen as a reflection of Imam Abu Hanifa's personality traits. By presenting a systematic model linking his personality traits to the principles of Hanafi jurisprudence, this research showcases its scientific innovation in analyzing the connection between a jurist's personality and the jurisprudential system developed by him. This model could serve as a framework for reinterpreting Islamic jurisprudence in addressing emerging issues.

Keywords: Imam Abu Hanifa, traits, personality, Islamic jurisprudence.

Cite this article: Kohi, S.Kh. (2026). Analysis of Imam Abu Hanifa's personality traits and their impact on Hanafi jurisprudence. *Scientific Research Journal of Ghor University*, 2(1), 1-20.

مقدمه

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد وآله و اصحابه اجمعین. اما بعد؛ امام ابوحنیفه (رحمه الله) نعمان بن ثابت (۸۰-۱۵۰ هـ/ ۶۹۹-۷۶۷ م) بنیان‌گذار مکتب فقهی حنفی، یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌ها در تاریخ اسلام است (النقیب، ۱۴۲۲، صص ۴۷-۴۸). امام ابوحنیفه (رحمه الله) با تأسیس یک مکتب فقهی مستقل و تأکید بر عقلانیت، اجتهاد و استدلال، نقش بسزایی در شکل‌گیری فقه اسلامی ایفا کرد.

شهرت او بیشتر به دلیل روش اصولی و استدلالی در استنباط احکام فقهی است که مکتب او را از دیگر مذاهب فقهی متمایز می‌سازد. درک عمیق فقه حنفی بدون شناخت ویژگی‌های شخصیتی منحصربه‌فرد امام ابوحنیفه (رحمه الله) ممکن نیست. شخصیت او ترکیبی از عقل‌گرایی عمیق، عدالت‌طلبی، تقوی، بردباری، استقلال رأی و مهارت‌های مدیریتی و تجاری بود که همگی مستقیم و غیرمستقیم، شالوده‌ها، روش‌ها و محتوای فقه حنفی را شکل دادند (سائد، ۱۴۳۶، صص ۷-۸).

ویژگی‌های شخصیتی او، از جمله عقلانیت، انعطاف‌پذیری و توانایی استدلال قوی، نقش بسزایی در ایجاد مکتب فقهی حنفی ایفا کرده است. این مکتب که بر پایه اصول اجتهاد، قیاس و استنباط بنا شده، توانسته است پاسخگوی نیازهای متنوع جوامع اسلامی در طول تاریخ باشد (Kamali, 2003).

در این مقاله به بررسی ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه الله) و تأثیر این ویژگی‌ها بر فقه اسلامی پرداخته خواهد شد تا فهم بهتری از نقش او در تحول فقه اسلامی به دست آید. مقاله یادشده به روش کیفی، به صورت تحلیلی توصیفی با استفاده از منابع دست‌اول کتابخانه‌ای به نگارش درآمده و به این سؤال که شخصیت امام ابوحنیفه (رحمه الله) چه تأثیری بر فقه اسلامی داشته است، پاسخ می‌دهد.

بیان مسئله

فقه اسلامی به عنوان یکی از بنیادی‌ترین دانش‌های تمدن اسلامی، همواره متأثر از شخصیت، روش فکری و ویژگی‌های روانی و اخلاقی فقهایی بوده است که در شکل‌گیری و توسعه آن نقش داشته‌اند. در این میان، امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت (رحمه الله) جایگاهی ممتاز دارد؛

زیرا مکتب فقهی او نه تنها از حیث گستره جغرافیایی، بلکه از نظر پویایی، عقلانیت و انطباق با تحولات اجتماعی، تأثیری ماندگار بر تاریخ فقه اسلامی بر جای گذاشته است (اداره الافتاء، ۱۴۳۶، ص ۲۵). باین حال، بخش قابل توجهی از تحقیق‌های فقهی، بیشتر بر آرای فقهی و اصول استنباط امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) تمرکز داشته و کمتر به ریشه‌های شخصیتی، روان‌شناختی و اخلاقی او که این نظام فقهی را پدید آورده‌اند، پرداخته‌اند.

واقعیت آن است که فقه حنفی را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از قواعد اجتهادی یا فروع فقهی دانست؛ بلکه این فقه، بازتاب مستقیمی از شخصیت علمی و اخلاقی بنیان‌گذار آن است. عقل‌گرایی، استقلال رأی، تسامح، عدالت‌طلبی، شناخت عرف اجتماعی و شجاعت علمی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)، نه تنها ویژگی‌های فردی او، بلکه عناصر شکل‌دهنده فقهی حنفی بوده‌اند. چنان‌که بسیاری از علمای تصریح کرده‌اند، توجه گسترده امام به قیاس، استحسان و مصالح مردم، ریشه در شخصیت نقاد، واقع‌گرا و مسئولیت‌پذیر او داشته است. بنا به گفته امام شافعی (رحمه‌الله) مردم در فقه وابسته امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) است. بنا به گفته نصر ابن شمیل مردم در موضوع فقه خوابیده بود تا اینکه امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) بیدارشان کرد. بنا به گفته ابن مبارک کسی مانند ابی حنیفه (رحمه‌الله) در فقه نبوده است. بنا به گفته قطان ما کسی را بهتر از اوی نشنیدیم (الحجوی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۱۵).

از سوی دیگر، در فضای معاصر که جوامع اسلامی با مسائل نوپدید اجتماعی، اقتصادی و حقوقی روبه‌رو هستند، بازخوانی تجربه فقهی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) از منظر شخصیتی، اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا بسیاری از چالش‌های فقهی امروز، نیازمند فقهی با رویکرد عقل محور، واقع‌بین و درعین حال پایبند به نصوص شرعی است؛ همان‌الگویی که در شخصیت امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) به‌روشنی قابل‌مشاهده است (علی جمعه، ۱۴۲۲، صص. ۷۱-۷۹). عدم توجه به این بُعد شخصیتی، ممکن است منجر به برداشت‌های سطحی یا حتی نادرست از فقه حنفی گردد و آن را به‌اشتباه فقهی صرفاً قیاسی یا دور از نص معرفی کند.

بنابراین، مسئله اصلی این تحقیق آن است که ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) چه نقشی در شکل‌گیری اصول، روش‌ها و کارکردهای فقه حنفی ایفا کرده‌اند؟ و چگونه این ویژگی‌ها باعث شده است که فقه حنفی در طول تاریخ، توان پاسخگویی به شرایط

متنوع اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی را حفظ کند. این تحقیق می‌کوشد با رویکردی تحلیلی - توصیفی، این خلأ علمی را پر کرده و پیوند میان شخصیت فردی امام و ساختار فقهی مذهب حنفی را به صورت مستند و نظام‌مند تبیین نماید.

اهمیت تحقیق

شناخت فقه اسلامی بدون توجه به شخصیت و روش فکری فقهای که آن را بنیان نهاده‌اند، شناختی ناقص و سطحی خواهد بود. امام اعظم ابوحنیفه (رحمه‌الله) از جمله فقهای است که مذهب فقهی او نه تنها محصول محفوظات علمی، بلکه بازتاب مستقیم ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقی و عقلانی اوست. از این رو، بررسی شخصیت امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) به عنوان یکی از پایه‌های شکل‌گیری فقه حنفی، از اهمیت علمی ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این رویکرد امکان درک عمیق‌تر مبانی اجتهادی، انعطاف‌پذیری فقهی و کارکرد اجتماعی این مذهب را فراهم می‌سازد.

اهمیت این تحقیق از آن جهت دوچندان می‌شود که فقه حنفی در بخش وسیعی از جهان اسلام، از جمله افغانستان، آسیای میانه، شبه‌قاره هند و بخش‌هایی از جهان عرب، نقش محوری در نظام‌های حقوقی، قضایی و آموزشی ایفا کرده است. در چنین شرایطی، بازشناسی ریشه‌های شخصیتی این مذهب می‌تواند به فهم بهتر علل ماندگاری، مقبولیت و کارآمدی آن کمک کند. این تحقیق می‌کوشد نشان دهد که عقل‌گرایی، تسامح، عدالت محوری و واقع‌گرایی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) چگونه به فقهی انجامیده است که توان تطبیق با شرایط متغیر اجتماعی را داراست.

افزون بر این، در عصر حاضر که جوامع اسلامی با مسائل نوپدید و پیچیده مواجه‌اند، بازخوانی الگوی فقهی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) از منظر شخصیتی، می‌تواند الهام‌بخش رویکردی متوازن میان پایبندی به نصوص شرعی و توجه به مصالح اجتماعی باشد. این تحقیق می‌تواند به عنوان گامی در جهت احیای نگاه اجتهادی پویا و مسئولانه در فقه اسلامی تلقی گردد و زمینه‌ساز تحقیق‌های عمیق‌تر در تحقیق فقه مقارن میان مذاهب اسلامی و فقه اجتماعی شود.

ضرورت تحقیق

ضرورت انجام این تحقیق به دلیل اهمیت نقش ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) در شکل‌گیری و توسعه فقه حنفی، بسیار برجسته است. فقه حنفی به عنوان یکی از مذاهب

اصلی اهل سنت، نه تنها در تاریخ اسلام تأثیرگذار بوده، بلکه در بسیاری از جوامع اسلامی به عنوان نظام حقوقی و قضایی مورد استفاده قرار گرفته است. شناخت دقیق ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و تأثیر آن بر اصول و روش‌های اجتهادی این مکتب، می‌تواند به فهم بهتر از عوامل مؤثر بر پویایی و انعطاف‌پذیری این فقه کمک کند. همچنین، در مواجهه با مسائل نوپدید اجتماعی و حقوقی، بازخوانی تجربه فقهی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) از منظر شخصیتی می‌تواند الگویی مناسب برای پاسخگویی به نیازهای جوامع اسلامی فراهم آورد.

روش تحقیق

تحقیق یادشده از نظر هدف بنیادی و از لحاظ ماهیت کیفی است که به روش تحلیلی-توصیفی انجام گرفته است. در این روش، تلاش شده است تا با تحلیل منابع دست‌اول و معتبر کتابخانه‌ای، رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و تأثیر آن بر ساختار و محتوای فقه حنفی بررسی شود.

مراحل انجام تحقیق:

۱. جمع‌آوری اطلاعات:

- گردآوری منابع کتابخانه‌ای معتبر شامل کتب تراجم، آثار فقهی و اصولی مرتبط با مکتب حنفی.

- بررسی آثار کلاسیک و معاصر درباره امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و فقه حنفی از جمله کتب محمد ابو زهره، السرخسی، کاسانی و دیگر منابع معتبر اهل سنت.

- استفاده از مقالات علمی مرتبط با موضوع تحقیق در مجلات تخصصی فقه اسلامی.

۲. تحلیل داده‌ها:

- استخراج اطلاعات مرتبط با ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) از منابع تراجم و تاریخی.

- تحلیل اصول فقهی مذهب حنفی از متون فقهی و اصولی.

- بررسی تطبیقی میان داده‌های شخصیتی و اصول فقهی متناظر.

۳. توصیف و تبیین:

- توصیف ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) شامل عقل‌گرایی، تسامح، استقلال

رأی، روحیه انتقادی، عدالت‌طلبی و توجه به عرف اجتماعی.
- تبیین تأثیر مستقیم این ویژگی‌ها بر شکل‌گیری ابزارهای اجتهادی نظیر قیاس، استحسان و تنوع اقوال در مذهب حنفی.

۴. مدل‌سازی:

- ارائه مدل مفهومی رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی امام و اصول فقه حنفی.
- طراحی جدول‌ها برای نمایش ارتباط میان ویژگی‌های شخصیتی امام، ابزارهای فقهی شکل‌گرفته و پیامدهای کارکردی آن‌ها.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

- تحلیل نهایی داده‌ها برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق: چگونه ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) باعث پویایی، انعطاف‌پذیری و کارآمدی فقه حنفی شده‌اند؟
- ارائه پیشنهادهایی برای توسعه مطالعات علمی در حوزه فقه اسلامی با تمرکز بر شخصیت‌شناسی فقها.

اهداف تحقیق

این تحقیق باهدف کلی تبیین رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و شکل‌گیری فقه حنفی انجام شده است. برای تحقق این هدف کلی، اهداف جزئی زیر دنبال می‌شود:

۱. بررسی نقش عقل‌گرایی، تسامح، استقلال رأی و روحیه انتقادی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) در بنیان‌گذاری اصول فقه حنفی؛
۲. تبیین تأثیر ویژگی‌های فردی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) بر روش‌های اجتهاد، استنباط و صدور فتوا در مذهب حنفی؛
۳. نشان دادن ارتباط میان شخصیت امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و انعطاف‌پذیری فقه حنفی در مواجهه با تحولات اجتماعی و فرهنگی؛

سؤالات تحقیق

۱- سؤال اصلی تحقیق

ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) چه تأثیری بر شکل‌گیری اصول، روش‌ها و

کارکردهای فقه حنفی داشته است؟

۲- سؤالات فرعی تحقیق

عقل‌گرایی، تسامح، استقلال رأی و روحیه انتقادی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) چگونه در بنیان‌گذاری اصول فقه حنفی نقش داشته‌اند؟

ویژگی‌های فردی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) چه تأثیری بر روش‌های اجتهاد، استنباط و صدور فتوا در مذهب حنفی داشته است

شخصیت امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) چگونه باعث انعطاف‌پذیری فقه حنفی در مواجهه با تحولات اجتماعی و فرهنگی شده است؟

پیشینه تحقیق

درباره امام اعظم ابوحنیفه (رحمه‌الله) و فقه حنفی، آثار فراوانی در طول تاریخ اسلامی نگاشته شده است؛ اما بیشتر این آثار، تمرکز اصلی خود را بر آرای فقهی، اصول اجتهادی و جایگاه مذهب حنفی در میان سایر مذاهب فقهی قرار داده‌اند و کمتر به تحلیل نظام‌مند ویژگی‌های شخصیتی امام و نقش آن در شکل‌گیری این مذهب پرداخته‌اند. از این‌رو، بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که میان «شخصیت امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)» و «ساختار فقه حنفی» پیوندی وجود دارد که هنوز به‌طور مستقل و تحلیلی، موضوع تحقیق‌های کافی قرار نگرفته است.

از مهم‌ترین آثار کلاسیک در این حوزه، کتاب «الإمام ابوحنیفه: حياته و عصره وآراؤه و فقهه» اثر محمد ابو زهره است. وی در این اثر، ضمن بررسی زندگی، محیط فکری و جایگاه علمی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)، به برخی ویژگی‌های اخلاقی و فکری او مانند استقلال رأی، شجاعت علمی و توجه به عقل اشاره می‌کند، اما این مباحث بیشتر در حاشیه شرح زندگی امام مطرح‌شده و به‌صورت تحلیلی و روشمند به تأثیر مستقیم این ویژگی‌ها بر فقه حنفی پرداخته نشده است (أبوزهرة، بی‌تا، صص. ۶۳-۷۰).

در آثار فقهی اصولی، به‌ویژه در کتاب «اصول السرخسی» و نیز جلد‌های ابتدایی «المبسوط»، سرخسی به روش اجتهادی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و جایگاه قیاس و استحسان توجه ویژه‌ای شده است. او عقل‌گرایی امام را به‌عنوان مبنای توسعه فقه حنفی معرفی می‌کند، اما تمرکز اصلی وی بر دفاع اصولی از روش حنفی است (السرخسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۹؛

السرخسی، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۱، صص ۵۶-۹۲). نه تحلیل شخصیت فردی امام به عنوان عامل شکل دهنده این روش است.

علاءالدین کاسانی در کتاب «بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع»، هنگام تبیین فروع فقه حنفی، به روح کلی مذهب و اهتمام امام ابوحنیفه (رحمه الله) به عدالت، رفع حرج و مصالح مردم اشاره می کند. با این حال، این اشارات بیشتر کاربردی و فقهی است و به صورت مستقل به ریشه های شخصیتی این رویکردها پرداخته نشده است (الکاسانی، ۱۴۰۶ هـ ق، ج ۱، صص ۱۴-۱۸).

در میان آثار معاصر اهل سنت، کتاب «المدخل الفقهي العام» اثر مصطفی احمد زرقاء، یکی از مهم ترین منابع در تبیین عقلانیت فقه حنفی محسوب می شود. زرقاء با نگاهی نظام مند، ویژگی های روش شناختی فقه حنفی را بررسی کرده و به نقش عقل، عرف و واقعیت اجتماعی در این مذهب اشاره می کند. با این حال، تمرکز او بر «فقه» است نه «شخصیت فقیه» و بحث از ویژگی های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه الله) به طور مستقیم در دستور کار او قرار ندارد (الزرقاء، ۱۴۲۵، ج ۲، ص ۹۰۳).

بررسی این آثار نشان می دهد که اگرچه به صورت پراکنده به برخی ابعاد شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه الله) اشاره شده است، اما تحقیقی که به طور مستقل و تحلیلی، رابطه میان ویژگی های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه الله) و تأثیر آن بر شکل گیری و پویایی فقه حنفی را بررسی کند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، مقاله حاضر می کوشد با رویکردی تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع معتبر، این خلأ تحقیقی را جبران کرده و سهم شخصیت فردی امام را در ساختار فقه حنفی به صورت منسجم و علمی تبیین نماید.

ویژگی های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه الله)

شخصیت امام اعظم ابوحنیفه (رحمه الله) نقشی بنیادین در شکل گیری فقه حنفی ایفا کرده است. ویژگی های فردی، اخلاقی و فکری او نه تنها بر روش استنباط احکام تأثیر گذاشته، بلکه روح کلی این مذهب فقهی را نیز تعیین کرده است. امام ابوحنیفه (رحمه الله) دارای ویژگی های شخصیتی منحصربه فردی است. این ویژگی ها نه تنها بر شخصیت وی تأثیر گذاشته و ایشان را نه تنها شخصیت علمی قابل قبول برای همه مسلمانان و حتی غیرمسلمانان قرار داده، بلکه بر فقه

حنفی نیز تأثیر مثبت گذاشته است. در ذیل به تعدادی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

۱- عقل‌گرایی و تأکید بر استدلال

برجسته‌ترین ویژگی شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)، عقل‌گرایی عمیق و اعتماد آگاهانه او به قدرت استدلال عقلی و اتکای وسیع او بر استدلال عقلی و قیاس در فهم نصوص شرعی است. وی در شرایطی که نص صریحی از قرآن یا سنت وجود نداشت، یا میان روایات تعارض ظاهری مشاهده می‌شد و قابل جمع نبود؛ از قیاس و تحلیل عقلانی بهره می‌گرفت. این رویکرد نه از سر ترجیح عقل بر نقل، بلکه به منظور کشف مقاصد شریعت و تحقق عدالت بود (أبوزهره، بی‌تا، صص. ۸۱-۸۵). این عقل‌گرایی ریشه در شخصیت کنجکاو و پرسش‌گر او داشت که از دوران جوانی و پیش از ورود به فقه، در مباحث کلامی پرورش یافته بود. امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) عقل را ابزار فهم نص می‌دانست و آن را موهبتی الهی برای استنباط احکام تلقی می‌کرد. همین ویژگی سبب شد که فقه حنفی توان پاسخگویی به مسائل نوپدید و پیچیده اجتماعی را داشته باشد و از جمود فقهی مصئون بماند.

۲- تسامح و مدارا در فقه و فتوا

از دیگر ویژگی‌های بارز امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)، روحیه تسامح و مدارا در مواجهه با اختلافات فقهی و شرایط متنوع اجتماعی است. او بر این باور بود که فقیه باید هنگام صدور فتوا، وضعیت مردم، عرف رایج و میزان مشقت را در نظر بگیرد. به همین دلیل، در بسیاری از مسائل، آراء متعددی از شاگردان او نقل شده که همگی در چارچوب مذهب حنفی معتبر شمرده می‌شوند. این ویژگی از عوامل اصلی گسترش فقه حنفی در مناطق مختلف اسلامی است؛ زیرا این مذهب توانست خود را با شرایط فرهنگی و اجتماعی جوامع گوناگون سازگار سازد (ابو زهره، بی‌تا، صص ۱۰-۱۱). این تسامح، بازتاب شخصیت نرم‌خو و واقع‌گرای امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) بود که از تحمیل سخت‌گیری‌های غیرضروری بر مردم پرهیز می‌کرد.

۳- علم‌گسترده و جامع‌نگری

امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) از دانش گسترده‌ای در علوم مختلف اسلامی برخوردار بود. او پیش از تمرکز بر فقه، در مباحث کلامی، اعتقادی و مناظرات فکری فعال بود و همین امر باعث شد که ذهنی منظم، نقاد و تحلیلی داشته باشد (احمدی، ۱۴۰۱، ص ۵۷).

جامع‌نگری علمی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) موجب شد که در استنباط احکام، تنها به‌ظاهر نص اکتفا نکند، بلکه پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی احکام را نیز موردتوجه قرار دهد. این ویژگی، فقه حنفی را به فقهی عمیق، نظام‌مند و کاربردی تبدیل کرد.

۴- روحیه انتقادی و آزاداندیشی علمی

روحیه انتقادی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) از دیگر مؤلفه‌های اساسی شخصیت اوست. وی در برابر آراء دیگر استادان و فقهای بزرگ عصر خود با احترام، اما نقادانه برخورد می‌کرد و هیچ رأیی را بدون دلیل نمی‌پذیرفت. این ویژگی سبب شد که مکتب حنفی به‌عنوان مکتبی علمی و استدلال‌محور شناخته شود. امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) شاگردان خود را به مناظره، پرسش و نقد تشویق می‌کرد و همین فضای آزاد علمی، باعث رشد اجتهاد جمعی در مکتب حنفی شد (دریسی، ۱۴۴۰، صص ۴-۸).

۵- استقلال رأی و شجاعت علمی

امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) شخصیتی مستقل و شجاع در ابراز رأی فقهی داشت. او از پذیرش مناصب حکومتی خودداری کرد و حاضر نشد فقه را در خدمت قدرت سیاسی قرار دهد. این استقلال، اعتماد عمومی به فتاوی او را افزایش داد و فقه حنفی را از نفوذ سیاست مصون ساخت (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۶، صص ۳۹۰-۴۰۳).

این ویژگی شخصیتی، سبب شد که فقه حنفی بر پایه اصول علمی و نه مصلحت‌های زودگذر سیاسی شکل گیرد و همین امر به پایداری و اعتبار تاریخی آن انجامید.

۶- توجه به عرف و واقعیت‌های اجتماعی

شناخت دقیق عرف و شرایط واقعی زندگی مردم از دیگر ویژگی‌های برجسته امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) بود. وی که خود تاجری آگاه به مسائل اقتصادی و اجتماعی بود، در استنباط احکام به عرف معتبر و نیازهای واقعی جامعه توجه ویژه داشت. نمونه بارز آن، پذیرش برخی معاملات رایج به دلیل نیاز عمومی و مصلحت اجتماعی است (الزرقا، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۳۴).

این ویژگی باعث شد که فقه حنفی، فقهی اجتماعی، کارآمد و قابل‌اجرا باشد و از فاصله گرفتن میان فقه و زندگی واقعی مردم جلوگیری شود. در ذیل به برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اصل فقهی متناظر بر آن که از خلال مباحث فوق به‌دست آمده است؛ اشاره می‌شود:

جدول شماره (۱) ویژگی شخصیتی امام اعظم رحمه الله و اصل فقهی متناظر بر آن

شماره	ویژگی شخصیتی	اصل فقهی متناظر
۱	عقل گرایی	توسعه قیاس و استحسان
۲	تسامح	تنوع اقوال در مذهب
۳	استقلال رأی	عدم وابستگی به حکومت
۴	شناخت عرف	اعتبار عرف در معاملات

این جدول رابطه میان ویژگی‌های شخصیتی و اصول فقهی متناظر را بررسی می‌کند

۱- عقل گرایی - قیاس و استحسان: توجه به عقل و منطق در تحلیل مسائل؛ در فقه، قیاس و استحسان ابزارهای عقلانی برای استنباط احکام جدیدند.

۲- تسامح - تنوع اقوال: انعطاف در پذیرش دیدگاه‌های مختلف؛ فقه با تنوع آرا و پذیرش اختلاف نظر میان مذاهب، این ویژگی را منعکس می‌کند.

۳- استقلال رأی - بی‌نیازی از حکومت: تصمیم‌گیری مستقل بدون تأثیرپذیری از دخالت‌های خارجی؛ در فقه، این موضوع به دوری از مداخله حکومتی در اجتهاد اشاره دارد.

۴- شناخت عرف - اعتبار در معاملات: آگاهی از فرهنگ و عادات جامعه؛ عرف در معاملات فقهی به عنوان منبع معتبر احکام پذیرفته می‌شود، چون شرایط واقعی جامعه را بازتاب می‌دهد.

تأثیر ویژگی‌های شخصیتی امام (رحمه الله) بر فقه اسلامی

امام اعظم (رحمه الله) با توجه به ویژگی‌های که داشت تأثیرات زیادی بر فقه گذاشته است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- تأسیس مکتب حنفی

ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه الله)، به‌ویژه عقلانیت، استقلال رأی و روحیه تسامح علمی، نقش اساسی در شکل‌گیری و تأسیس مکتب فقهی حنفی ایفا کرد. این مکتب که یکی از چهار مذهب فقهی اصلی اهل سنت به شمار می‌رود، بر پایه قیاس، استحسان و توجه به

مصلح مردم بنیان نهاده شد. به تصریح ابو زهره، روش عقل‌گرایانه امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و تأکید او بر تحلیل اجتهادی، سبب شد که مکتب وی به نظامی فقهی منسجم و مستقل تبدیل گردد (ابو زهره، بی‌تا، صص ۸۰-۸۵). همچنین گسترش این مذهب در سرزمین‌هایی چون افغانستان، ترکیه، شبه‌قاره هند و بخش‌هایی از جهان عرب، نتیجه انعطاف‌پذیری و واقع‌گرایی روش فقهی آن امام است.

۲- تأثیر بر روش‌های اجتهاد

امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) با توسعه و نظام‌مند ساختن ابزارهایی چون قیاس، استحسان، افق تازه‌ای در روش اجتهاد گشود. وی در موارد فقدان نص یا تعارض ظاهری روایات، با بهره‌گیری از تحلیل عقلانی و توجه به مقاصد شریعت، به استنباط احکام می‌پرداخت. سرخسی تصریح می‌کند که امام، قیاس را ابزار ضروری فهم نصوص و استحسان را وسیله رفع حرج و تحقق عدالت می‌دانست (السرخسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۱). ابو زهره نیز عقل‌گرایی امام را عامل اصلی شکل‌گیری مدرسه کوفه و تأثیر آن بر گسترش رویکردهای اجتهادی در فقه اسلامی معرفی می‌کند (ابو زهره، بی‌تا، صص ۷۹-۸۸).

۳- پاسخگویی به تنوع موضوعات

تسامح و مدارا در فقه حنفی باعث ایجاد تنوع و گوناگونی در فتاوا شد. روحیه تسامح و واقع‌گرایی در شخصیت امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)، سبب شد که فقه حنفی ظرفیت پذیرش آراء متنوع در چارچوب اصول واحد را داشته باشد. این امر باعث شد که این مذهب در مواجهه با شرایط مختلف اجتماعی و جغرافیایی، توان پاسخگویی بالایی پیدا کند. انعطاف‌پذیری فقه حنفی را نتیجه توجه آن به عرف، مصالح و شرایط زمانی منشأ گرفته است. کاسانی در بدائع الصنائع به تعدد اقوال در مذهب و پذیرش اجتهاد شاگردان امام اشاره می‌کند که خود نشانه پویایی این مکتب است (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲).

۴- تطبیق فقه با واقعیت‌های اجتماعی

امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) در استنباط احکام، به عرف معتبر، نیازهای اقتصادی و واقعیت‌های اجتماعی توجه ویژه داشت. پیشینه تجاری او و آشنایی با مسائل اقتصادی، باعث شد که در حوزه معاملات، رویکردی واقع‌گرایانه اتخاذ کند. اعتبار عرف در مذهب حنفی، یکی از عوامل

کارآمدی این مکتب در نظام‌های حقوقی اسلامی بوده است. همچنین حلق نشان می‌دهد که پویایی فقه اسلامی، به‌ویژه در مکتب حنفی، نتیجه تعامل میان نص و واقعیت اجتماعی بوده است (Hallaq, 2001).

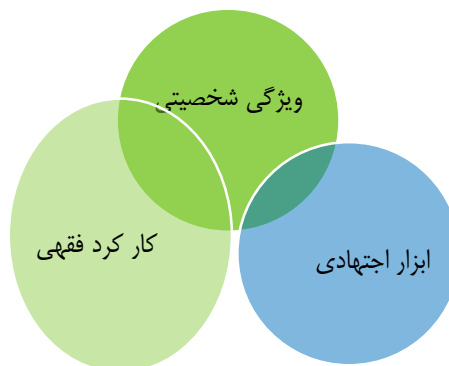
جمع‌بندی بخش‌ها

بر اساس منابع کلاسیک و تحلیل‌های معاصر، می‌توان نتیجه گرفت که شخصیت امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)، با تأکید بر عقلانیت، استقلال رأی، تسامح و توجه به عرف، نقش بنیادینی در شکل‌گیری روش‌های اجتهادی، انعطاف‌پذیری فقه حنفی و انطباق آن با واقعیت‌های اجتماعی ایفا کرده است. این ویژگی‌ها سبب شد که مکتب حنفی نه‌تنها در میان مذاهب فقهی اهل سنت جایگاه برجسته‌ای یابد، بلکه در طول قرون متمادی، در مناطق گسترده‌ای از جهان اسلام به‌عنوان نظامی حقوقی پویا و قابل اجرا پذیرفته شود.

یافته‌های تحقیق

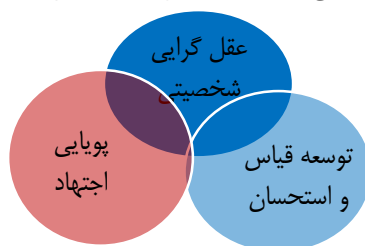
تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای و بررسی منابع قدیم و جدید نشان می‌دهد که میان «ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)» و «ساختار معرفتی و کارکردی فقه حنفی» رابطه‌ای نظام‌مند، ساختاری و علی برقرار است. فقه حنفی نه صرفاً محصول قواعد اصولی، بلکه نتیجه مستقیم منش علمی، اخلاقی و اجتماعی بنیان‌گذار آن است. این رابطه را می‌توان در قالب یک مدل سه سطحی تحلیل کرد:

ویژگی شخصیتی → ابزار اجتهادی → کارکرد فقهی



بر اساس این مدل، یافته‌های تحقیق در شش محور علمی زیر قابل تبیین است:

عقل‌گرایی شخصیتی → توسعه قیاس و استحسان → پویایی اجتهاد



تحلیل منابع نشان می‌دهد که عقل‌گرایی در شخصیت امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)، صرفاً یک گرایش فکری نبود، بلکه مبنای روش‌شناختی فقه او را تشکیل می‌داد. وی عقل را ابزار فهم مقاصد شریعت می‌دانست، نه رقیب نص. محمد بن احمد السرخسی تصریح می‌کند که قیاس در مذهب حنفی امتداد منطقی نص است و استحسان برای رفع حرج و تحقق عدالت به کار می‌رود (السرخسی، بی‌تا، ج ۲، صص ۲۰۱-۲۰۲). همچنین محمد ابو زهره عقل‌گرایی امام را عامل شکل‌گیری و پختگی فقه حنفی و ایجاد مدرسه کوفه می‌داند (ابو زهره، بی‌تا، صص ۷۹-۸۵).

گزاره علمی: هرچه سطح عقل‌گرایی شخصیتی امام بالاتر بوده، میزان استفاده نظام‌مند از ابزارهای تحلیلی (قیاس و استحسان) در فقه حنفی افزایش یافته است.

نتیجه تحلیلی: این امر سبب شد فقه حنفی در مواجهه با مسائل فاقد نص، توان تولید حکم داشته باشد و از جمود فقهی مصون بماند.

۱- روحیه انتقادی → شکل‌گیری اجتهاد جمعی → تکامل درون مذهبی



یافته‌ها نشان می‌دهد که امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) فضای آموزشی مبتنی بر مناظره و نقد ایجاد کرد. شاگردانی چون ابو یوسف و محمد بن حسن در حضور او به نقد و بحث می‌پرداختند.

سرخسی این ویژگی را عامل پویایی مدرسه حنفی معرفی می‌کند (السرخسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۹).

گزاره علمی: روحیه انتقادی امام موجب شکل‌گیری «ساختار شورایی اجتهاد» در مکتب حنفی شد.

نتیجه تحلیلی: فقه حنفی برخلاف نظام‌های تک‌محور، دارای ظرفیت بازبینی و تکامل درونی گردید.

تسامح علمی → پذیرش تعدد اقوال → انعطاف‌پذیری فقهی



بررسی آثار علاءالدین الکاسانی نشان می‌دهد که در بسیاری از مسائل، بیش از یک قول معتبر در مذهب حنفی وجود دارد (الکاسانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۶). همچنین مصطفی احمد الزرقاء انعطاف‌پذیری فقه حنفی را نتیجه همین رویکرد می‌داند (الزرقاء، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۳۳).

گزاره علمی: تسامح شخصیتی امام منجر به مشروعیت بخشی به تنوع اجتهادی در چارچوب مذهب شد.

نتیجه تحلیلی: این تنوع، ظرفیت انطباق جغرافیایی و فرهنگی مذهب حنفی را افزایش داد.

۱- استقلال رأی → مصونیت از قدرت سیاسی → اعتبار اجتماعی مذهب



تحلیل تاریخی نشان می‌دهد که امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) مناصب حکومتی را نپذیرفت. ابو زهرة این موضع را نشانه استقلال علمی امام می‌داند (ابو زهرة، بی‌تا، ص ۹۵).

گزاره علمی: استقلال شخصیتی امام موجب استقلال نهادی فقه حنفی از ساختار قدرت گردید.

نتیجه تحلیلی: این استقلال سبب افزایش اعتماد عمومی و گسترش مذهب در جوامع مختلف شد.

شناخت عرف و تجربه تجاری → اعتبار عرف → کارآمدی اجتماعی فقه



کمالی اعتبار عرف را یکی از ویژگی‌های برجسته فقه حنفی معرفی می‌کند (kamali, 2003). همچنین وائل حلاق نشان می‌دهد که پویایی فقه اسلامی در گرو تعامل با واقعیت اجتماعی است (Hallaq, 2001).

گزاره علمی: آشنایی عملی امام با اقتصاد و عرف اجتماعی، منجر به تثبیت «عرف معتبر» به‌عنوان منبع تکمیلی استنباط در مذهب حنفی شد.

نتیجه تحلیلی: فقه حنفی توانست به نظامی حقوقی اجرایی و کاربردی تبدیل شود.

مدل مفهومی تحقیق

مدل مفهومی تحقیق بر اساس تحلیل تطبیقی میان داده‌های شخصیتی استخراج‌شده از منابع تراجم و داده‌های اصولی برگرفته از متون فقه حنفی تدوین شده است. جدول شماره (۲) مدل رابطه ویژگی شخصیتی و فقه حنفی

شماره	ویژگی شخصیتی	ابزار فقهی شکل گرفته	پیامد کارکردی
۱	عقل‌گرایی	قیاس، استحسان	پویایی اجتهاد
۲	روحیه انتقادی	اجتهاد جمعی	تکامل درون مذهبی
۳	تسامح	تعدد اقوال	انعطاف‌پذیری جغرافیایی
۴	استقلال رأی	فاصله از قدرت	اعتبار اجتماعی
۵	شناخت عرف	اعتبار عرف	کارآمدی حقوقی

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که فقه حنفی محصول یک «نظام شخصیتی - معرفتی» است؛ بدین معنا که ساختار اجتهادی، ابزارهای اصولی و کارکرد اجتماعی این مذهب، بازتاب مستقیم ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) است.

این نتایج تأیید می‌کند که میان «شخصیت فقیه» و «نظام فقهی تولیدشده توسط او» رابطه‌ای ساختاری وجود دارد و تحلیل فقه بدون تحلیل شخصیت مؤسس آن، تحلیلی ناقص خواهد بود.

نتیجه‌گیری

این تحقیق نشان داد که فقه حنفی را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد اجتهادی و فروع فقهی در نظر گرفت، بلکه این مذهب فقهی بازتاب مستقیمی از شخصیت علمی، اخلاقی و اجتماعی امام اعظم ابوحنیفه (رحمه‌الله) است. ویژگی‌هایی چون عقل‌گرایی، تسامح، استقلال رأی، روحیه انتقادی، عدالت‌طلبی و توجه به عرف و واقعیت‌های اجتماعی، نقشی بنیادین در شکل‌گیری ساختار و محتوای فقه حنفی ایفا کرده‌اند.

بررسی‌ها نشان داد که عقل‌گرایی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله)، موجب توسعه ابزارهای اجتهادی مانند قیاس و استحسان شده و فقه حنفی را به مذهبی پویا و پاسخگو تبدیل کرده است. همچنین، تسامح و مدارا در شخصیت او، زمینه‌ساز تنوع آراء فقهی و انعطاف‌پذیری این مذهب در مواجهه با شرایط گوناگون اجتماعی و فرهنگی گردیده است. استقلال رأی و شجاعت علمی امام نیز باعث مصونیت فقه حنفی از نفوذ قدرت‌های سیاسی و حفظ اصالت علمی آن شده است.

این تحقیق نشان داد که شخصیت امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) را می‌توان به‌عنوان متغیر مستقل و فقه حنفی را به‌عنوان متغیر وابسته در یک تحلیل جامعه‌شناختی فقهی بررسی کرد.

پیشنهادهای

با توجه به یافته‌ها و مباحث مطرح‌شده در این تحقیق، پیشنهادهای زیر جهت توسعه مطالعات علمی و کاربردی در حوزه فقه اسلامی و مذهب حنفی ارائه می‌گردد:

۱- پیشنهاد می‌شود محققان حوزه فقه اسلامی، در کنار بررسی آرای فقهی ائمه مذاهب، به تحلیل ابعاد شخصیتی، اخلاقی و اجتماعی آنان نیز توجه ویژه داشته باشند؛ زیرا چنین رویکردی می‌تواند به فهم عمیق‌تر مبانی اجتهادی مذاهب فقهی منجر شود.

- ۲- انجام تحقیق‌های تطبیقی میان ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) و سایر ائمه مذاهب فقهی اهل سنت، به‌ویژه امام مالک، امام شافعی و امام احمد بن حنبل، می‌تواند نقش شخصیت فقیه در تنوع روش‌های فقهی را روشن‌تر سازد.
- ۳- پیشنهاد می‌شود از الگوی عقل‌گرایی، تسامح و توجه به واقعیت‌های اجتماعی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) در اجتهاد معاصر بهره گرفته شود تا فقه اسلامی بتواند پاسخگوی مسائل نوپدید اجتماعی، اقتصادی و حقوقی جوامع اسلامی باشد.
- ۴- مراکز علمی و آموزشی فقهی، به‌ویژه در کشورهای پیرو مذهب حنفی، می‌توانند با گنجاندن مباحث «شخصیت‌شناسی فقها» در برنامه‌های درسی، نگاه جامع‌تری نسبت به فقه و اجتهاد در میان طلاب و محصلان ایجاد کنند.
- ۵- پیشنهاد می‌شود تحقیق‌های آینده به بررسی کاربردی اصول فقه حنفی در نظام‌های حقوقی معاصر و نقش ویژگی‌های شخصیتی امام ابوحنیفه (رحمه‌الله) در این کاربردی بپردازند.

منابع و مأخذ

- ابو زهره، محمد. (بی تا). الإمام أبو حنيفة: حياته و عصره وآراؤه و فقهه. بيروت: دار الفكر العربي.
- احمدی، فضل احمد. (۱۴۰۱ هـ ش). امام ابوحنيفه (رحمه الله) و مبارزه با استبداد سياسی. فصلنامه تحقیقی غالب. سال یازدهم. شماره چهارم.
- اداره الافتاء. (۱۴۳۶ هـ ق). المذهب الفقهي الرابع؛ ائمتها، اطوارها، اصولها و آثارها. الكويت: وزارت الاوقاف والشئون الاسلاميه.
- الحجوي، محمد بن الحسن. (۱۴۱۶ هـ ق). الفكر السامي في تاريخ الفقه الاسلامي. بيروت: دار الكتب العلميه.
- دریسی، موهوب. (۱۴۴۰ هـ ق). المذهب الحنفي في العصر العباسي الأول. مذكرة مقدمة لنيل شهادة الماستر تخصص تاريخ المغرب العربي المعاصر.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵ هـ ق). سير اعلام النبلاء. بيروت: موسسه الرساله.
- الزرقا، مصطفى احمد. (۱۴۲۵ هـ ق). المدخل الفقهي العام. دمشق: دار القلم.
- سائد، بكداش (۱۴۳۶ هـ ق). تكوين المذهب الحنفي، مع تأملات في طوابع المفتي به المدينه المنوره، دار السراج.
- السرخسی، محمد بن احمد. (بی تا). اصول السرخسی. بيروت: دار المعرفه.
- السرخسی، محمد بن احمد. (۱۴۱۴ هـ ق). المبسوط. بيروت: دار المعرفه.
- على جمعه، عبدالوهاب. (۱۴۲۲ هـ ق). المدخل إلى دراسة المذاهب الفقهية. قاهره: دار السلام.
- الكاساني، علاء الدين. (۱۴۰۶ هـ ق). بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع. بيروت: دار الكتب العلميه.
- النقيب، احمد نصير الدين (۱۴۲۲ هـ ق). المذهب الحنفي؛ مراحل، طبقاته، ضوابطه و مصطلحاته، خصائصه و مولفاته، الرياض، مكتبه الرشد.
- Hallaq, W. (2001). *Authority, Continuity and Change in Islamic Law*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kamali, M. H. (2003). *Principles of Islamic Jurisprudence* (3rd ed). Cambridge: Islamic Texts Society.